

ستون اول

منصور حکمت

* در انتخابات قبلی ریاست جمهوری رفسنجانی تجسم تمایل پیکره اصلی بورژوازی ایران برای فاصله گرفتن از سیاستهای داخلی و بین المللی دوران خمینی و بهبود رابطه با غرب بود. برای غرب رفسنجانی رهبر میانه رو و پراگماتیکی بود که کمر به بازگرداندن ایران به آغوش "جامعه بین المللی" بسته بود. برای لیبرالهای ایرانی در داخل و خارج او سمبل تضعیف اسلامیت در سیاست و فرهنگ و دولتگرایی در اقتصاد ایران بود. برای بخش وسیعی از مردم، با همین نوع برداشت ها، رفسنجانی چون روزنه ای برای ختم اوضاع فوق العاده، گشایش سیاسی و فرهنگی و بازسازی و ثبات اقتصادی جلوه میکرد. دوره ریاست جمهوری رفسنجانی، اما، عملاً مطابق هیچیک از این انتظارات پیش نرفت. اینک با فقر و نابسامانی اقتصادی شدید مردم، با لیبرالهای سرخورده و ناباور و با بی اعتمادی و بی مهری روز افزون غرب نسبت به او، انتخاب مجدد رفسنجانی به ریاست جمهوری بخودی خود واقعه سیاسی حائز اهمیتی در ایران محسوب نمیشود.

* لیستی از فعالین سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی که در نوبت ترورهای بعدی بوده اند، بدست پلیس آلمان افتاد و از یک شبکه محلی تلویزیونی اعلام شد. تروریسم جمهوری اسلامی در خارج کشور در واقع ادامه همان سیاست در اخل ایران است. جمهوری اسلامی در طول ۱۵ سال حاکمیتش دهها هزار نفر از کارگران و کمونیستها و فعالین نیروهای اپوزیسیون را از دم تیغ گذرانده است. حاکمیت جمهوری اسلامی بدون سیاست ترور قابل تصور نیست. تنها به نیروی اعتراض گسترده و تنگ کردن فضا به این حکومت است که می توان اقدامات تروریستی علیه شخصیت ها و نیروهای اپوزیسیون را مانع شد.

* اول مه روز همبستگی بین المللی کارگری، امروز در بسیاری کشورها به روز بیان مطالبات اقتصادی و سیاسی در محدوده هر کشور تبدیل شده است. اول ماه مه می تواند و باید خصلت عمیقا طبقاتی و انترناسیونالیستی خود را باز یابد و این ممکن نیست مگر با مبارزه علیه ناسیونالیسمی که کارگر را با هویت ملی و راه حل ملی برای مسائل اش به خیابان می آورد.